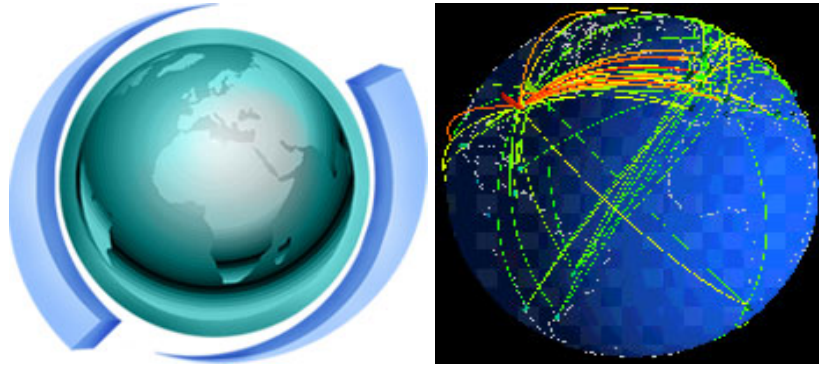


آزادی، اسیر چنگال خونینی دشمنان آزادی



آزادی اندیشه را آنگاه که از بعد فردی مورد نظر قرار دهیم - و معنای آزاداندیشی، استقلال فکری، عدم وابستگی اندیشه به عوامل غیر فکری و نفی بردگی فکری نسبت به کانونهای قدرت درونی و بیرونی از آن متبادر شود - می‌توان آن را در زمره "آزادی معنوی" دانست.

گزارشگران بدون مرز

دفاع از آزادی مطبوعات

تلاش برای آزادی روزنامه نگاران زندانی یک مبارزه صنفی نیست. دفاع از آزادی اطلاع رسانی و در عین حال دفاع از حق دانستن است. یادآور این امر است که بدون آزادی مطبوعات، آزادی و بدون مطبوعات مستقل و کثرت گرا دموکراسی وجود ندارد، این مبارزه باید امر همگان باشد.

ژوئن ۱۹۸۵، در برنامه ای رادیویی که درباره ی فجایع بزرگ بود، شنونده ای در انتقاد به رسانه های جمعی مطرح کرد: به هنگام جنگ، زلزله و یا سیل در کشورهای جهان سوم، انبوهی از خبرنگاران به آنجا هجوم می برند. اما شش ماه بعد از آن هیچ کس از آن ماجرا دیگر حرفی نمی زند، هیچ گاه پس از نمایش آن تصویر های تکان دهنده، پی گیری به عمل نمی آید و بی تفاوتی جانشین نمایش می شود. در آن زمان روبرت منارد، دبیر اول گزارشگران بدون مرز، خبرنگار رادیو فرانسه در جنوب این کشور بود، همین گفته انگیزه ای برای تشکیل گزارشگران بدون مرز توسط وی شد. گزارشگران بدون مرز در آغاز می خواست تا با تهیه ی گزارش درباره ی مصائب و فجایعی که توسط رسانه ها به فراموشی سپرده می شدند، نقطه پایانی بر این گونه انتقادها باشد. به مدت چهار سال از ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹ گزارشگران بدون مرز، به تامین هزینه و تهیه گزارش درباره ی جنگ و دیگر مصائب از کشورهای فراموش شده توسط مطبوعات، پرداخت.

در طی این سال ها و در پی این تلاش هاست که معضل بزرگ خبرنگاران یعنی انجام وظیفه ی خود به شکلی آزادانه، بیش از پیش آشکار می شود. انتشار سالیانه ی اسامی خبرنگاران کشته شده، لیست حیرت آور خبرنگاران به قتل رسیده به ویژه در آمریکای لاتین و شبنامه نویسان زندانی در اروپای شرقی و و مبارزه ای که روزنامه نگاران برای آزادی مطبوعات در کشورهای خود به پیش می برند. به بیداری وجدان ها و جلب توجه به این مبارزه کمک کرد. در ۱۹۸۹ با درس گیری از تجارب چهار ساله، تهیه گزارش متوقف و هدف اصلی گزارشگران بدون مرز به خواست آزادی خبرنگاران زندانی و روشننگری در باره ی تعرض به آزادی مطبوعات تغییر یافت. در فوریه همان سال اولین شماره ی نامه ی گزارشگران بدون مرز ماهنامه ای برای اعضا و روزنامه نگاران انتشار یافت. در اکتبر ۱۹۸۹ گسترش و تحول تشکل، نیاز به تعریف فرجام های اصلی حرکت را ایجاب می کرد، اولین سمینار گزارشگران بدون مرز با این هدف و تحت ریاست سمبلیک روزنامه نگار چینی لیوینی یان که چندی پیش از

رخدادهای بهار پکن به امریکا پناهنده شده بود، در پاریس برگزار گردید. کارزار به فرزند خواندگی قبول کردن یک روزنامه نگار زندانی توسط رسانه های جمعی در همین سال آغاز شد. این کارزار بر آن است که یک رسانه مسئولیت کامل دفاع از یک روزنامه نگار که به خاطر ابراز عقایدش زندانی شده است را تا آزادی او بر عهده گیرد. تا امروز چندین رادیو، تلویزیون، روزنامه... با این عمل بسیاری از روزنامه نگاران زندانی را به فرزند خواندگی قبول و این حرکت توانسته است بسیاری را از خطر مرگ و زندان رهایی بخشد. اولین گزارش سالیانه ی گزارشگران بدون مرز نیز در سال ۱۹۸۹ انتشار یافت. این گزارش به نقض آزادی مطبوعات و وضعیت روزنامه نگاران در سراسر جهان اختصاص واز آن تاریخ هر ساله منتشر می گردد. امروز این گزارش به زبان های فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، اسپانیایی و فارسی موجود است. این گزارش توسط دبیر خانه ی بین المللی گزارشگران، تهیه می شود.

دفتر بین المللی گزارشگران بدون مرز در پاریس قرار دارد و ده ها نفر به عنوان محقق به شکل حرفه ای در بخش های تحقیق، به روز کردن اخبار و اطلاعیه ها بر روی تارنما، اداری و مالی، ارتباطات به کار مشغول و فعالیت های سازمان ها را به طور منظم در مناطق مختلف در جهان هدایت می کنند.

در طی سال ها فعالیت، گزارشگران بدون مرز، شبکه ی گسترده ای متشکل از صد ها نفر نماینده و همکار در سراسر جهان به وجود آورده است. با تلاش این شبکه است که مجموعه ای از اطلاعات و اخبار درباره ی آزادی مطبوعات و وضعیت روزنامه نگاران در اختیار سازمان قرار می گیرد. و هر گاه روزنامه یا روزنامه نگاری در هر کجای جهان، مورد تهدید قرار گیرند، سازمان سریعاً دخالت نموده و به افشای آن پردازد.

با تقسیم بندی جغرافیایی، افریقا، امریکا، آسیای، اروپا و مغرب و خاورمیانه، به طور روزمره، کار محققان، جمع آوری و تحلیل خبرهای آژانس های خبرگزاری، مطبوعات جهان و بی شمار انتشارات اختصاصی، در باره ی، تعرضات به آزادی مطبوعات است. پس از اطمینان از درستی این اخبار توسط نمایندگان محلی و یا سازمان های مدافع حقوق بشر و آزادی مطبوعات در محل، که خود بخش اعظم کار است، محققین نوع واکنش لازم را نسبت به این امر تعیین می کنند. این واکنش به خواه به صورت اطلاعیه مطبوعاتی و خواه به شکل نامه به مسئولان انتشار می یابد. در بعضی موارد، جمع آوری اخبار به تنهایی در دبیرخانه بین المللی میسر نمی شود در این گونه موارد، گزارشگران بدون مرز، هیئت های نمایندگی به مناطق مورد نظر اعزام می کند. در این ماموریت ها، نمایندگان سازمان با مقامات دولتی و کشوری، دیپلمات های خارجی در محل، مطبوعات خصوصی و دولتی و انجمن های روزنامه نگاران یا مدافع حقوق بشر به ملاقات و گفتگو می پردازند و با وکلا و خانواده های قربانیان نیز دیدار می کنند. در این دیدارها همواره یکی از خواست های گزارشگران از مقامات دولتی، ملاقات با روزنامه نگار زندانی است. این ماموریت های در عین حال فرصت مناسبی است برای حساس نمودن مطبوعات محلی به اقدامات گزارشگران بدون مرز و یافتن همکاران تازه. با این حال به دلیل مخالفت برخی از دولت ها و عدم صدور ویزا، گزارشگران بدون مرز، همواره امکان حضور در برخی از کشورها را ندارند. هر سال گزارشگران بدون مرز، بیش از ۵۰۰ مورد نقض آزادی مطبوعات و بیان، اطلاعیه ها و نامه های اعتراضی را برای مقامات کشورهای و سازمان های جهانی مدافع حقوق بشر (چون گزارشگران ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر و آزادی مطبوعات، پارلمان اروپا، یونسکو، کمیسیون حقوق بشر و...) ارسال می کند. این نامه ها می توانند یک تقاضای ساده ی درخواست اطلاعات، و ارائه ی پیشنهاداتی برای بهبود وضعیت آزادی مطبوعات و یا درخواست رسمی از مقامات برای آزادی روزنامه نگار زندانی و یا اجازه انتشار مجدد به روزنامه ای سانسور یا توقیف شده باشند.

گزارشگران بدون مرز در ده ها کشور جهان دارای شعب ملی و در بسیاری از کشورها دارای دفتر نمایندگی است. از جمله در آلمان، انگلیس، اسپانیا، امریکا و ایتالیا، گزارشگران بدون مرز در کشورهایی که دفتر رسمی ندارد از همکاری نمایندگان ویژه و همکاران محلی بهره مند می شود. سوم ماه می روز جهانی آزادی مطبوعات، از جمله ابتکارات گزارشگران بدون مرز است. که با توافق سازمان یونسکو به روزی جهانی بدل شده است و در سراسر جهان از ۱۹۹۰ هر ساله جشن گرفته می شود. ز گزارشگران بدون مرز هر سال دو آلبوم از عکس های یک عکاس مشهور را منتشر می کند که عواید فروش آن برای کمک به روزنامه نگاران و روزنامه هایی که با مشکل روبرویند صرف می شود. گزارشگران بدون مرز در ۱۹۹۲ جایزه لورنزو ناتالی را از سوی کمیسیون اروپا برای تلاش در دفاع از حقوق بشر و دموکراسی در کشورهای در حال رشد و در ۱۹۹۷ جایزه روزنامه نگاری و دموکراسی را از سوی سازمان امنیت و همکاری اروپا دریافت نمود.

گزارشگران بدون مرز در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، یونسکو به عنوان ناظر، در کمیسیون آفریقایی حقوق بشر حضور و با سازمان دولت های امریکا همکاری نزدیک دارد. همیاری حقوقی و بشر دوستانه با روزنامه نگاران و روزنامه های قربانی سرکوب از جمله فعالیت های گزارشگران بدون مرز است.

در سال ۲۰۰۵ پارلمان اروپا جایزه ساخاروف را برای "تلاش در روشنگری و در دفاع از آزادی بیان و عقیده به گزارشگران بدون مرز اهدا کرد. در فرانسه، گزارشگران بدون مرز به عنوان انجمنی عام المنفع و مردمی شناخته

شده است و هر ساله حساب های بانکی آن توسط حساب رسی مستقل انجمن ها مورد بررسی قرار می گیرد و کمک دهندگان می توانند از معافیت های مالیاتی بهره مند جویند.

وضعیت اسفناک حقوق بشر برای خبرنگاران

امروز همان فردائی است که دیروز انتظارش را می کشیدی.



هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد و در کسب و دریافت و انتشار اطلاعات و افکار، به تمام وسایل ممکن بیان و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد. سانسور، دستگیری و در موارد وخیم شکنجه و قتل، این است آنچه که در انتظار خبرنگارانی است که در مناطق بحرانی به کار گزارشده می پردازند. سازمان «گزارشگران بدون مرز» روز پنجشنبه (اول فوریه) گزارش سالبانه خود را ارائه داد. این گزارش سال ۲۰۰۶ را سیاهترین سال طی ۱۲ سال گذشته برای گزارشگران می داند و در عین حال نشان می دهد که حتی کشورهای با نظام دمکراتیک نیز باید کار زیادی در زمینه آزادی مطبوعات انجام دهند. ایران، روسیه، چین، کوبا، کشورهای اروپای شرقی و شاخ آفریقا، همه این کشورها را سازمان حقوق بشر «گزارشگران حقوق بشر» در «لیست سرخ» خود دارد. و این کشورها تنها نیستند. تقریباً در سراسر جهان حقوق گزارشگران پایمال می شود و شمشیر سانسور دولتی مانع از يك گزارشدهی منطبق با واقعیت است. مسئول بخش ایران سازمان «گزارشگران بدون مرز» مستقر در پاریس در زمینه این گزارش سالبانه از سال ۲۰۰۶ می گوید:

گزارش ۲۰۰۶ سازمان «گزارشگران بدون مرز» بسیار غم انگیز شروع می شود. یعنی من باید بگویم که ما یک مطابقتی کردیم برای آنکه بفهمیم کدام سال مرگبارتر از امسال بوده است، و باید به سال ۱۹۹۴ باز می گشتیم. یعنی سالی که بطور مشخص در یک کلام من بخواهم بگویم، سالی که ما با نسل کشی در «رواندا» روبه رو بودیم، با دو جنگ داخلی در الجزایر و یوگسلاوی و تعداد بسیار زیاد روزنامه نگار و گزارشگر کشته شده در طی این حوادث که تقریباً در قرن بیستم بی سابقه است. در سال ۲۰۰۶ ما ۱۱۰ روزنامه نگار و همکار مطبوعاتی کشته شده داریم. در ۱۹۹۴ این تعداد ۱۰۳ نفر بودند. با همین شکل «گزارشگران بدون مرز» زنگ خطر خودش را اعلام کرده و به اصطلاح خودمان می گوئیم، همه چراغها قرمزند. سال ۲۰۰۶ سال بازگشت به عقب بوده، سال سستی و ضعف بوده و در گزارش «گزارشگران بدون مرز» بطور مشخص دمکراسی های جهان مورد خطاب قرار گرفته اند، از اروپا تا آمریکا در مورد مواقع عقب نشینی شان در برابر تهاجمات معینی که به آزادی بیان و آزادی مطبوعات می شود.

در اروپا بطور مشخص ما مثال دانمارک را زدیم که دانمارک مورد تهاجم قرار گرفت، روزنامه نگارانش بازداشت شدند، سفارت هایش در همه جهان مورد حمله قرار گرفتند و اروپا صدایش در نیامد. در رابطه با آمریکا اعتراض کردیم که آمریکا اعتبارش را از دست داده، برای آنکه از آزادی بیان دفاع نمی کند، برای آنکه روزنامه نگاران آمریکایی را دستگیر می کند، روزنامه نگارانی که از روشن کردن منابع خبری شان پرهیز می کنند و روزنامه نگارانی که در گوانتانامو زندانی کرده. وضعیت جهان را وضعیت ناامیدکننده ای می دانیم. در این گزارش اما جای امید هم هست. از آنجایی که همان قطعنامه ای که در روز ۲۵ دسامبر در شورای امنیت به اتفاق آرا تصویب شد در حمایت از روزنامه نگاران گام مهمی بود، گامی بود که ما در اینجا اشاره کردیم که توانست بهر صورت تکانی به دیپلماسی بدهد. آنجایی که ما بخواهیم، می توانیم».

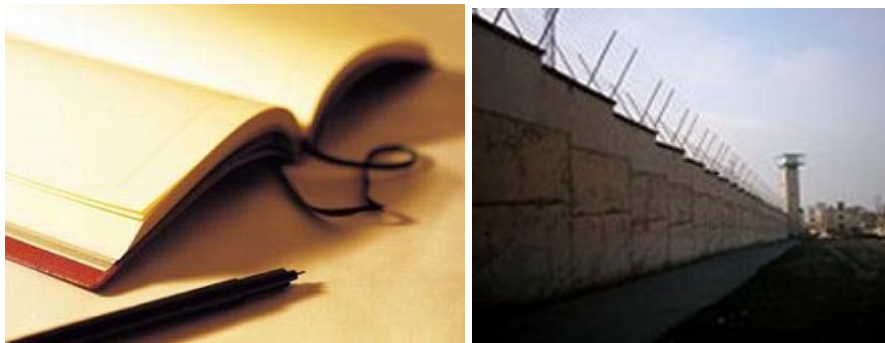
در این گزارش ایران جزو کشورهای شاخص در زمینه سانسور و فشار علیه مطبوعات و نیز دستگیری و آزار و بیکاری اجباری گزارشگران محسوب می شود. وضعیت ایران هم در رابطه با گزارش امسال، جدا از وضعیت کل دنیا نیست. در ایران بطور مشخص، ما با دستگیری بیش از ۳۸ روزنامه نگار روبه رو بوده ایم که این روزنامه نگارها بین ۴ تا ۵ ماه زندانی بوده اند. زندانیان در زندان ها ناپدید می شوند. مورد شیرکوه جهانی را مثال زدیم. در این رابطه

لازم ندیدیم که اشاره کنیم، بند ۲۰۹ زندان اوین عملاً به جایی برای روزنامه‌نگاران تبدیل شده، «استراحتگاهی» است به قول آقایان برای روزنامه‌نگاران، برای اینکه وادارشان کنند تا سکوت کنند، از رامین جهان‌بگلو گرفته تا امروز علی فرحبخش که در این محل به سر می‌برد. در این رابطه قتل روزنامه‌نگار کرد در مرزهای ایران و بویژه بیکار شدن و در اصل از حق کار محروم شدن تعداد بسیار زیادی از روزنامه‌نگاران.

در اینباره باید تاکید کنم که روی دو مسئله ما انگشت گذاشته و تاکید کرده‌ایم. یک، سانسور و دوم، خودسانسوری. اگر تعداد زندانیان و روزنامه‌نگاران ایرانی در زندان کم شده، بخاطر این است که ما روزنامه‌های مستقل و آزاد، آن روزنامه‌هایی که روزنامه‌نگاران بتوانند آنچه می‌خواهند در آن بگویند، نداریم. هیچوقت نداشته‌ایم، ولی امروز بیشتر و در این رابطه عملاً مباحث ممنوعه، تابوها، از مسایل به اصطلاح غنی‌سازی اورانیوم که ممنوع است تا گران شدن گوجه فرنگی در ایران، هیچ روزنامه‌نگاری بطور مشخص نمی‌تواند به شکل مستقل کار بکند، بدون اتهام، بدون احضار و بدون تهدید».

گزارش سالیانه ۲۰۰۷

آزادی با مطبوعات به دنیا می‌آید و با سانسور می‌میرد.



چشم‌هایم را کور می‌کنم، گوش‌هایم را کور می‌کنم، پاهایم را می‌شکنم، انگشتانم را بند بند می‌بُرَم، سینه‌ام را می‌شکافم، قلبم را می‌کشم، حتی زبانم را می‌بُرَم، دلم را می‌دوزم، اما قلمم را به بیگانه نمی‌دهم! (علی شریعتی)

اول فوریه ۲۰۰۷ گزارشگران بدون مرز گزارش سالیانه خود از وضعیت آزادی مطبوعات در ۹۶ کشور جهان منتشر کرد. این گزارش اصلی‌ترین موارد نقض حقوق روزنامه‌نگاران در سال ۲۰۰۶ را مد نظر قرار داده و چشم‌انداز و منظره‌ای موضوعی از مناطق مختلف جهان ارائه می‌کند. این گزارش آماریست از نقض آزادی مطبوعات در جهان، در برگیرنده‌ی سرکوبگرترین دولت‌ها، از کره شمالی واریتره تا کوبا و ترکمنستان است، اما به دموکراسی‌های موجود نیز نگاهی انتقادی دارد که در آنجا نیز بسیاری از دستاوردها مورد تهدید قرار گرفته‌اند و نیازمند برداشتن گام‌هایی به جلو هستند.

هنوز در آغاز سال هستیم و نگران از وخامت بیشتر وضعیت! در همین اولین ماه سال، ۴ روزنامه‌نگار و ۶ همکار رسانه‌ها کشته شده‌اند. برای مشاهده نزدیک‌ترین آمار و سالی اینگونه مرگبار برای روزنامه‌نگاران، باید به ۱۹۹۴ بازگشت. در این سال ۱۰۳ روزنامه‌نگار در نسل‌کشی روندا، جنگ داخلی در الجزایر و یوگسلاوی کشته شدند. در سال ۲۰۰۶ اما ۱۱۰ روزنامه‌نگار و همکار مطبوعات (مترجم، تکنسین و...) کشته شده‌اند. و رای‌آمار روزنامه‌نگاران کشته شده و زندانی، گزارشگران بدون مرز می‌خواهد زنگ خطر را برای سال ۲۰۰۶، به صدا درآورد. سالی بی‌شور و شگفت، که گاه همراه بود با پس‌رفت در کشورهای دموکراتیک که مدعی دفاع از ارزش‌هایی هستند که خود را مظهر آن می‌دانند.

سالی که گذشت، سالی بود پر از ضعف و تسلیم برای دولت‌هایی، که از آنها انتظار می‌رفت به جد از آزادی بیان و حاصل‌اش آزادی مطبوعات دفاع کنند. اگر همه و یا تقریباً همه کشورهای جهان مدعی رعایت حقوق بشر هستند، حق داریم که با مشاهده‌ی اعمال و سکوت این و آن پیرسیم، امروز چه کسانی قدرت اخلاقی دفاع از مظهر این ارزش‌ها بودن و دفاع بدون تزلزل از آزادی‌ها را دارند. آیا اتحادیه اروپا در این باره تلاشی می‌کند؟ آیا مدافع پر قدرت و رسای ارزش‌هایی که فرض کرده‌اند بیست و هفت عضو آن است، بوده است؟ وقتی که قرار دادهای امضا شده منوط به رعایت آزادی هاست و در برابر نقض فاحش آزادی اندیشه، بیان و نوشتن در کشورهای که از گسترش اتحادیه سود می‌برند، سکوت می‌کند. نباید شک کرد. نمونه تونس که رژیم آن تحمل هیچ گونه آزادی انتقاد را ندارد از این نظر گویاست.

ماجرای انتشار کاریکاتورهای حضرت محمد در دانمارک تبلور توجه همه جهان به مسئله آزادی بیان و احترام به عقاید مذهبی بود. در این مورد هم رفتار کشورهای دموکراتیک متضمن حداقل همبستگی با دانمارک که دفاتر نمایندگی دیپلماتیک اش مورد تعرض و روزنامه نگاران اش مورد تهدید و بازداشت قرار گرفتند؛ نبود. گویی که از خدشه دار شدن روابط با کشورهای عربی و اسلامی وحشت می‌کنند، واقعیت این است که اروپا تلاش برای به حساب آوردن صدایش نکرد. در حوادث اخیر نیز در برابر رئیس جمهور روسیه، شاهد رشادتی نیستیم. به هنگام قتل آنابولیتو کفسکاپا - بیست و یکمین روزنامه نگار به قتل رسیده از تاریخ به قدرت رسیدن ولادمیر پوتین در مارس ۲۰۰۰ - هر کدام از اعضای اتحادیه اروپا جداگانه موضع گیری کردند، اما بهتر بود که پارلمان اروپا همانگونه که بسیاری از سازمانهای غیر دولتی پیشنهاد کرده بودند، به تشکیل کمیسیونی بین‌المللی برای تحقیق رای می‌داد. اما ترجیح داده می‌شود با کرمین یکی از بزرگترین صادر کنندگان انرژی به اروپا کنار بیایند. در مناسبات میان کشورهای اتحادیه باید اشاره کرد که کشورهای بزرگ اتحادیه در برابر بروکسل نقشی دوگانه بازی می‌کنند، و وقتی از سوی افکار عمومی کشور هایشان مورد سوال قرار می‌گیرند، نهادهای اروپایی را مقصر قلمداد می‌کنند. برای نمونه: پاریس را مثال بزینیم، هنوز ما تصویر رئیس جمهور شیراک را در ذهن داریم که عالیترین نشان فرانسه را بر سینه‌ی همتای روسی اش می‌آویخت. یا سکوت مطلق دیپلمات‌های فرانسوی در برابر اریتره که برای منازعه با اتیوپی متحد آمریکا مورد توجه خاص وزارت خارجه فرانسه است. و یا در خود فرانسه می‌توان اولین واکنش خالی از امید و همبستگی، مقامات رسمی در ماجرای روبرت ردکر دبیر فلسفه ای که برای نوشتن مقاله ای در نقد اسلام و احکام تاریخی آن تهدید به مرگ شده بود، را مثال زد.

ایالات متحد آمریکا کاملاً بی اعتبار شده است

در باره ی آمریکا مثال کم نیست: در بازداشت نگاه داشتن غیر قانونی روزنامه نگار شبکه الجزیره در اردوگاه گوانتانامو، زندانی کردن مکرر روزنامه نگاران امریکایی که از معرفی منابع خبری خود سرباز می‌زنند، عدم تحقیق جدی در باره ی وضعیت روزنامه نگاران عراقی که با گلوله سربازان امریکایی به خاک می‌افتند، حمایت از رژیم‌هایی ناقض فاحش آزادی مطبوعات، و.... همه و همه عواملی برای عدم اعتماد به واشینگتن هستند، که برای سخن گفتن از آزادی بیان بی اعتبار اش کرده است. در باره ی شورای حقوق بشر که جانشین کمیسیون بی اعتبار حقوق بشر شده است، هنوز نمی‌توان گفت که سربلند بدر آمده است یا نه، اما ما ناظر همان مضحکه‌ی پیشین هستیم: دولت‌های در معرض اتهام، مدافعان خود را در شورا پیدا می‌کنند تا نوبت مورد اتهام قرار گرفتن خودشان فرا رسد و مورد حمایت قرار گیرند، در اصل معضلات بحث برانگیز کنار نهاده می‌شوند. مثلاً معضل دارفور در ۲۰۰۶ کنار گذاشته می‌شود. و یا انتخاب شدن کشورهای بی‌عنوان عضو شورای حقوق بشر که خود از آزادی ستیزترین دولت هستند. در این بازار مکاره اغلب کشورهای جنوب با منطق یارگیری شرکت می‌کنند تا از دور خارج نشوند.

دیگر قدرت‌های بزرگ، روسیه و چین، خود از درندگان آزادی مطبوعات هستند و ساده انگاریست که از آنها انتظار داشته باشیم، نقشی مثبت در میدان مبارزه برای آزادی بیان بازی کنند. دست کم می‌توان انتظار داشت که برگزاری بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ در چین، فرصتی باشد برای بهبود وضعیت کار روزنامه نگاران چینی و خارجی در چین، آزادی تعدادی از روزنامه‌نگاران و وب‌نگاران معترض زندانی، البته با این شرط که غرب فقط به تسخیر بازار چین نیاندیشد. دلایل برای نگرانی و بدبینی بسیار است، برای مثال در امریکای لاتین، قتل ده‌ها روزنامه نگار در مکزیک و مصونیت کامل از مجازات برای عاملان آنها، گفتمان حشونت‌بار هوگو چاوز رئیس جمهور ونزوئلا، نامعلومی وضعیت سلامت فیدل کاسترو رهبر کوبا و زندانی کردن بیش از بیست روزنامه نگار، به وخامت گرائیدن وضعیت در بلوی که تا امروز بعنوان تنها کشور جنوبی در مرتبه ای بالا از رده بندی آزادی بیان گزارشگران بدون مرز جای داشته است. و نشانه‌های آشکاری دیگر که هوشیاری بیشتر جامعه بین‌المللی را می‌طلبد. درباره ی افریقا، قاره ای که قربانی منازعات ملی، قوی و مذهبی ست، چه باید گفت؟ هر روز پرمرگتر از روز پیش و پر خطرتر برای روزنامه‌نگاران. و یا در باره کشورهای عربی، آنجا که روزنامه‌نگاران در محاصره ی رژیم‌های توتالیتر و گروه‌های گاه شورشگر و یا تروریست قرار دارند و این دو به نام مذهب یا امنیت ملی دست در دست هم می‌گذارند تا بهتر روزنامه نگاران را به سکوت وادارند. می‌توان بر این لسیت کشورهای دیگری را نیز اضافه کرد وقتی که بقیه دنیا به نقطه‌ای دیگر نگاه می‌کند، در آسیا مثلاً به بد رفتاری، زندانی و شکنجه کردن روزنامه‌نگاران ادامه می‌دهند.

جایی برای خوشبینی مانده است؟ آری، مثلاً قطعنامه در حمایت از روزنامه‌نگاران و تامین امنیت خبرنگاران در مناطق جنگی که به اتفاق آرا در شورای امنیت سازمان ملل تصویب شد. هدف نخست این قطعنامه یادآوری الزام حمایت و تامین امنیت خبرنگاران به طرفین درگیر است. تاکید بر الزام دولت‌ها در پیشگیری جنایت علیه روزنامه نگاران و در صورت ارتکاب چنین جنایاتی اقدام به تحقیق قضایی، دستگیری و محاکمه آمران و عاملان آن دارد. اما اگر این قطعنامه‌ی به اتفاق آرا تصویب شده پیگیری نشود به کاغذ پاره ای می‌ماند. بدون توهم به اینگونه بیانیه‌ها، باید تاکید کرد که این قطعنامه نشانگر آن است که در میدان سیاست می‌توان تاثیرگذار بود و به هدف خود رسید

و عادت‌ها که دیپلمات‌ها در پشت آن برای توجیه پنهان می‌شوند تا هیچ نشانی از تغییر داد. پیش نویس این قطعنامه را گزارشگران بدون مرز در اکتبر به وزارت خارجه فرانسه ارائه کرد. قطعنامه در ۲۵ دسامبر به تصویب رسید. فقط دو ماه کافی بود تا ماشین سنگین سازمان ملل به حرکت درآید. همین قطعنامه نشان داد که یک دولت و یا یک نهاد بین‌المللی می‌تواند خطوط یکبار ترسیم شده را غیر دهد، باری در حدی که می‌تواند، اما در همین حد می‌توان جان‌هایی را نجات داد، زنان و مردانی را از زندان آزاد کرد و.... این چالشی زیبا برای دموکراسی است، همان دموکراسی قاره‌ی پیر، که می‌کوشد برای جوانان اش‌افق و مرزهای تازه‌ای ترسیم کند.

آزادی مطبوعات در سال ۲۰۰۶

در سال ۲۰۰۶ / ۸۱ روزنامه‌نگاران کشته، ۸۷۱ روزنامه‌نگاران بازداشت، ۱۴۷۲ روزنامه‌نگاران مورد تهاجم و تحدید، ۱۲۹ رسانه‌سانسور، ۵۶ روزنامه‌نگار ربوده شده است.



واقعا چرا اینگونه است؟

چرا تنها تفاوت‌های کوچک در انتخاب مسیر زندگی؛ آن هم نه مسیر اصلی و شاید باید گفت تنها ابزارها سبب این همه فاصله می‌گردد! چه رنجی است از ذات‌های خود جدا شدن به حکم گم‌گشتگی آنها! انسان‌های زیادی را دیدم که اینگونه حکم دیوانه بودن را یدک میکشیدند و هیچ‌گاه هم خواهان تیرئه خود نبوده‌اند! آنها می‌گویند دیوانگی اگر این است آن را ترجیح می‌دهیم؛ اما آخر مگر نه این است که انسان‌ها همگی در تعیین این مسیرها آزاد هستند؟

چرا خود آزادی خود را نمی‌کنیم و به دنبال چهارچوب‌ها هستیم و خود را در مرزهای مشخص شده تعریف می‌کنیم و برای تعاریفمان از این مسیر بی‌سرانجام؛ نقطه‌انتهای می‌گذاریم و هر کس در این نقطه و در این چهارچوب ننگنجد را؛ هر کس را که در زیستن در قالبها را در پس حرکت خود فروشکست؛ دیوانه و از جنسی دیگر می‌پنداریم! چرا به این نمی‌اندیشیم که همه‌ی ما؛ حتی خود تو و من؛ فارغ از هر گونه تعریف هستیم! آزاد آزاد. می‌اندیشم: و اینگونه نیست که هر کس برای رهایی نیاز به گذرنامه‌ای داشته باشد؛ او آزاد است تا از نو زندگی را به اختیار خویش بسازد. (ریچارد باخ)

در سال ۲۰۰۶ دست کم ۸۱ روزنامه‌نگار به هنگام انجام وظیفه و یا ابراز نظر خود در ۲۱ کشور جهان کشته شده‌اند. نزدیک‌ترین آمار به این تعداد در سال ۱۹۹۴ است. در این سال ۱۰۳ روزنامه‌نگار در نسل‌کشی روندا، جنگ داخلی در الجزایر و یوگسلاوی کشته شدند. در سال ۲۰۰۶ همچنین ۳۲ همکار مطبوعات (مترجم، تکنسین و...) نیز کشته شده‌اند این تعداد در سال گذشته ۵ نفر بود. آمار گزارشگران بدون مرز فقط روزنامه‌نگاران که مرگ‌شان در ارتباط مستقیم با وظیفه اطلاع‌رسانی روی داده است، را در بر می‌گیرد. ده‌ها مورد مرگ نیز یا در دست تحقیق قرار دارند و یا به دلیل مشخص نشدن علت مرگ موقتا از آمار کنار گذاشته شده‌اند. برای چهارمین سال متوالی عراق خطرناکترین کشور برای روزنامه‌نگاران است ۶۴ روزنامه‌نگار و همکار مطبوعاتی در سال ۲۰۰۶ در این کشور به خاک افتاده‌اند. در عراق از آغاز جنگ تا به امروز ۱۳۹ همکار رسانه‌ها کشته شده‌اند. آمار که دو برابر کشته شدن خبرنگاران در جنگ بیست ساله‌ی ویتنام است. (۶۴ روزنامه‌نگار در طی جنگ ویتنام از ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۵ کشته شده‌اند). نزدیک به ۹۰ درصد کشته‌شدگان روزنامه‌نگاران عراقی هستند. در این رابطه یا هیچ تحقیق قضایی انجام نمی‌گیرد و یا این تحقیقات به نتیجه‌ای نمی‌رسند. دومین کشور خطرناک برای روزنامه‌نگاران مکزیک است یا ۹ روزنامه‌نگار کشته شده که در لیست کشورهای قاره‌ی آمریکا در صدر و پیش از کلمبیا قرار دارد. این روزنامه‌نگاران در باره‌ی قاچاقچیان مواد مخدر تحقیق می‌کرده‌اند و یا خشونت علیه جنبش‌های اجتماعی را تحت پوشش قرار داده‌اند. در ایالت اوکخاکا که جنبش اجتماعی با شدت ادامه دارد و گاه به رویارویی نظامی می‌انجامد، چندین روزنامه‌نگار زخمی و بارد ویل فیلم‌بردار آمریکایی با شلیک گلوله به قتل رسید. در ۹

اگوست در ایالت چیوهاوا، پیکر بی جان مدیر مسئول ماهنامه " دو چهره و یک حقیقت" که متخصص در امر پرونده های جنایات روشن نشده و مواد مخدر بود در کنار جاده ای در شمال مکزیک پیدا شد .

در فیلپین ۶ روزنامه نگار در سال ۲۰۰۶ کشته شده اند (در سال ۲۰۰۵ این تعداد ۷ روزنامه نگار بوده است) در اواخر ماه می، فرناندو باتول مفسر رادیو دی پی آر به هنگام عزیمت به محل کارش با ضرب گلوله از پای درآمد. به گفته مقامات فیلپینی این روزنامه نگار به دست مامور پلیسی که از وی به دلیل رفتار خشونت آمیز اش در برنامه ای رادیویی انتقاد شده بود، به قتل رسیده است. از سوی دیگر دو عامل قتل سرمقاله نویس و روزنامه نگار مارلن اسپرات که در ماه مارس ۲۰۰۵ به قتل رسیده بود، در دادگاهی به حبس ابد محکوم شدند. اما آمران قتل از مجازات مضمون مانده اند. با این حال در این کشور که مصونیت از مجازات قائده است این نمونه باید سرمشق قرار گیرد. در روسیه سه روزنامه نگار در طی سال ۲۰۰۶ کشته شده اند. (۲۱ روزنامه نگار از تاریخ به قدرت رسیدن ولادمیر پوتین در مارس ۲۰۰۰) قتل آنا پولیتوکفسکاپا روزنامه نگار هفته نامه نوویا گازتا نشان داد که حتا روزنامه نگاران سرشناس و مورد حمایت جامعه بین المللی نیز از خشونت مرگبار در امان نیستند. مراحل تحقیقات در این باره با گروه ۱۵۰ نفری تعیین شده از سوی مقامات ادامه دارد. کشورهای دمکراتیک از روسیه خواسته اند که از همه امکانات خود را برای روشنی ساختن هویت قاتلان بکار گیرد. در ترکمنستان وضعیت آزادی مطبوعات هر روز وخیم تر می شود. اوغوسپار مرادوف خبرنگار رادیو اروپای آزاد، سه ماه پس از دستگیری، احتمالاً در اثر ضربات وارده در سپتامبر ۲۰۰۶ در زندان درگذشت. علیرغم درخواست های مکرر اتحادیه اروپا ترکمنستان از تحقیق در باره چگونگی مرگ این روزنامه نگار سر باز می زند. در لبنان در طی جنگ با اسرائیل در تابستان گذشته یک عکاس و یک تکنسین تلویزیون کشته و بیش از ده روزنامه نگار زخمی شدند.

تبلیغات انتخاباتی خشونت بار

در سال ۲۰۰۶ بیش از ۱۴۰۰ مورد تهاجم و تحدید روزنامه نگاران در سراسر جهان از سوی گزارشگران بدون مرز آمارگیری شده است. که خود رکوردی دیگر از خشونت علیه روزنامه نگاران است. بیش از نیمی از این موارد به هنگام انتخابات روی داده اند. در کشوری چون بنگلادش که حمله به روزنامه نگاران امری روزمره است در آخرین ماه های سال و همزمان با انتخابات پارلمانی در این کشور این خشونت ها به اوج خود رسید. در قاره ی امریکا چندین کشور انتخابات مختلفی را برگزار کردند. در پرو یک ماه پیش از انتخابات گزارشگران بدون مرز ده ها مورد تحدید و تهاجم را به ثبت رسانده است. در ایالت ماریلا در شمال برزیل دفتر یک روزنامه توسط هواداران یک کاندیدا به کلی ویران شد. در کنگو هواداران هر دو کاندیدا ریاست جمهوری به شکل منظم به روزنامه نگاران حمله می کردند. در اوگاندا و اتیوپی هم روزنامه نگاران و فرستادگان ویژه رسانه های خارجی قربانی تهاجم و تحدید بودند.

سانسور، دستگیری سرکوب رسانه ها و روزنامه نگاران

آمار سانسور نسبت به سال گذشته اندکی کاهش داشته است ۱۲۹ مورد نسبت به ۱۰۰۶ مورد در سال ۲۰۰۵ در سال گذشته کشور نپال سردمدار سانسور و دستگیری روزنامه نگاران بود. اما با آتش بس وضعیت آزادی مطبوعات در نپال نسبت به درگیری نظامی که در سالهای اخیر کشور را می لرزاند، به شکل مطلوبی تغییر کرده است " . انقلاب دمکراتیک" در آوریل گذشته آزادی های بنیادین را در کشور گسترش داده است. روزنامه نگاران زندانی آزاد شده اند و ده ها رادیو آزاد در سراسر کشور به کار مشغولند.

امسال تایلند رکورددار بیشترین تعداد سانسور است. در فردای کودتای نظامی در ۱۹ سپتامبر بیش از ۳۰۰ رادیو محلی و چندین سایت اینترنت تعطیل شدند. اما چند هفته بعد وضعیت به حالت عادی بازگشت . در باره وضعیت سانسور در چین، کره شمالی و برمه بدست آوردن آمار ناممکن است و در این کشورها موازینی کلی علیه رسانه ها اتخاذ می گردد که گاه در یک آن صدها رسانه و خبرنگار را شامل می شود. در طی سال ۲۰۰۶ شبکه اینترنت در بسیاری از کشورهای جهان کنترل و سانسور شده است. گزارشگران بدون مرز در نوامبر سال جاری لیست ۱۳ کشور دشمن اینترنت در جهان عربستان سعودی، روسیه سفید، برمه، چین، کره شمالی، کوبا، مصر، ایران، اوزبکستان، سوریه، تونس، ترکمنستان، ویتنام، را معرفی کرد.

آنچه که در بسیاری از کشورهای جهان امری آسان و آزاد محسوب می شود در ۱۳ کشور جهان ممنوع است . وبلاگ نویس ها و وب نگاران معترض دستگیر و سایت های اینترنتی فیلتر و مسدود می شوند. در مجموع در سال ۲۰۰۶ بیش از ۳۰ وبلاگ نویس از جمله در ایران، چین، مصر، دستگیر و طی هفته ها در بازداشت بسر بردند. مصر برای اولین برای سرکوب وبلاگ نویسانی که به حسنی مبارک و یا اسلام انتقاد می کنند به لیست کشورهای دشمن اینترنت پیوسته است. دست کم ۸۷۱ روزنامه نگار در طی سال ۲۰۰۶ و در سراسر جهان و از جمله در ایران، ازبکستان، سوریه، تونس، چین برای انجام وظیفه خود دستگیر و از آزادی محروم شدند. تعدادی از این افراد ساعت ها در بازداشت بسر برده اند و بسیاری به حبس های سنگین محکوم شده اند . ریودن روزنامه نگاران نگرانی تازه ای است، برای دست اندرکاران رسانه ها، در سال ۲۰۰۶ تعداد روزنامه نگار ربوده شده ۵۶ نفر بوده است. دو منطقه عراق با ۱۷ خبرنگار و نوار غزه با ۶ روزنامه نگار ربوده شده و به گروگان گرفته شده خطرناک ترین

مناطق برای روزنامه نگاران هستند. در نوار غزه خوشبختانه همه روزنامه نگاران ربوده شده آزاد، اما در عراق ۶ تن از این خبرنگار به قتل رسیدند. گزارشگران بدون مرز در سال ۲۰۰۶ در دیدار هایی جداگانه با آقایان جلال طالبانی و محمود عباس روسای جمهور عراق و مناطق خود مختار فلسطین خواهان بکار گیری همه امکانات برای پایان دادن به دستگیری، قتل و تعرض به خبرنگاران شده است.

گزارش سالانه افغانستان ۲۰۰۷

يك انسان مي تواند آزاد باشد، بي بزرگ بودن ، اما هيچ انساني نمي تواند بزرگ باشد ، بي آزاد بودن.(جبران خليل جبران)



حقیقت چیست؟ این پرسشی دشوار است. اما من آن را برای خود به این صورت حل کرده ام که حقیقت، آن چیزی است که ندای درون به شما می گوید. ممکن است برسید چرا مردمان مختلف حقایق را به صورت های مختلف و متضاد می اندیشند؟ از آنجا که می بینیم اندیشه بشری، از راه های بی شمار عمل می کند و تکامل ذهن انسان، نزد همگان یکسان نیست. پس آنچه را که یکی حقیقت می داند ممکن است دیگری نداند. از این رو، کسانی که به این آزمون ها پرداخته اند به این نتیجه رسیده اند که باید شرایطی را نیز در نظر گرفت، اکنون همه دم از وجدان می زنند، بی آنکه هیچ انطباقی را رعایت کنند و در این دنیای سردرگم کذب محض رواج دارد.

آنچه در نهایت فروتنی می توانم به شما بگویم؛ این است که هیچ کسی بدون احساس فروتنی فراوان ، حقیقت را در نمی یابد. اگر می خواهی در در آغوش اقیانوس حقیقت سیر کنی ؛ باید خود را به صفر فروکاهی. آنچه به حساب می آید ؛ حقیقت ، عشق و آهی شما (عدم خشونت) است. مادامی که این باشد ؛ سرانجام همه چیز خود به خود درست می شود ، این قانونی است که استثنا بر نمی دارد. (مهاتما گاندی)

در افغانستان آزادی مطبوعات یکی از نادر دستاوردهای پنج سال گذشته در بعد از سقوط طالبان است. اما این دستاورد واقعیتهای شکننده است. وخامت وضعیت امنیتی، تهدید های جنگسالاران، روحانیون محافظه کار و قدرت حاکمه ای که هر روز ضعیف تر می شود، بردوش روزنامه نگاران سنگینی می کنند. در اکتبر ۲۰۰۶ نویسنده و همکار هفته نامه پیام مجاهد با شکایت وزیر ارتباط با پارلمان دستگیر شد. محمد حسن ولسمل ، سردبیر افغان ملی جریده که خانه اش در پی انتشار مقاله ای انتقادی نسبت به حامد کرزی در ماه مارس مورد حمله قرار گرفت، در این باره می گوید :

" آزادی مطبوعات به محض سخن گفتن از یک رهبر جنگ سالار به پایان می رسد." مسئول انجمن روزنامه نگاران مستقل افغانستان معتقد است که "کسانی که از سوی محافظان شخصی محافظت می شوند به آزادی بیان اعتقاد ندارند و سعی دارند سانسور و خودسانسوری را به روزنامه نگاران تحمیل کنند". شرایط شکننده و افزایش حملات انتحاری در شرق و جنوب افغانستان کار اطلاع رسانی را هر روز دشوارتر می کند. در ژوویه، عبدالقدوس ، فیلمبردار و راننده شبکه آریانا در یک عملیات انتحاری کشته شد. عکاس- خبرنگار ایتالیایی گابریل تورچه لو به مدت سه هفته توسط مردان مسلحی در قندهار ربوده شد. دو خبرنگار آلمانی در اکتبر در شمال کابل به قتل رسیدند. نائید قتل این روزنامه نگاران به علت فعالیت حرفه ای شان دشوار است. در پشت آمار رسمی اطمینان بخش ۴۰۰ نشریه، ۵۰ رادیو خصوصی، ۵ آژانس خبرگزاری و ۶ شبکه تلویزیونی، واقعیتهای متضاد نهفته است.

اکثریت این نشریات هفته نامه هایی با تیراژ محدود هستند. در نوامبر یکی از نشریات مستقل کابل ویکلی به علت نداشتن درآمد از طریق تبلیغات انتشارش متوقف شد. در مزار شریف روزنامه بازتاب به علت ناتوانی در بیشتر کردن تعداد پخش خود تعطیل شد. افزایش رادیو و تلویزیون خصوصی تأثیری واقعی در چگونگی مطلع شدن افغان ها داشته است. امری که زرغونه صابر در باره ی آن می گوید : رسانه ها برنده ی این بخش هستند. مردم فهمیدند که جنگسالاران چه کسانی هستند و رسانه ها قدرتمندتر شده اند. " تلویزیون های خصوصی هدف حمله اولیه محافظه کاران هستند، در ژانویه شبکه افغان تی وی برای پخش فیلم های هندی و ویدیوهای غیر اسلامی، محکوم به پرداخت

هزار یورو شد. احمد شاه افغانزای مدیر این شبکه، قانون جدید رسانه ها را که با آن می توان با تشکیل کمیسیونی رسانه ها را بدون حضور در برابر دادگاه جریمه کرد، مورد انتقاد قرار می دهد.

در ماه اوت نمایندگان محافظه کار مجلس گروهی از شبکه طلوع تی وی را مورد تهاجم قرار دادند، این شبکه تصاویری را از نمایندگان خواب آلود در پارلمان نشان داده بود. ماه پیش از آن نیز سیاف یکی از جنگسالاران، مردان اش را برای حمله به یک اکیپ طلوع تی وی در نزدیکی کابل فرستاده بود. در سال ۲۰۰۶ دست کم ۲۰ خبرنگار توسط سیاستمداران و یا نزدیکان آنها مورد تهاجم قرار گرفته و یا تهدید به مرگ شده اند.

در چندین ایالت در جنوب کشور، درندگان آزادی مطبوعات، طالبان، هستند که قدرت را در دست دارند. در پایان ماه نوامبر آنها دو روزنامه نگار پاکستانی را در ایالت هلمند که از آنها مجوز ورود نگرفته بودند، به مدت دو هفته در بازداشت نگاه داشتند. در آغاز سال جدید میلادی یک از رهبران نظامی طالبان هشدار داده بود که: " من می خواهم بگویم اگر روزنامه نگاران از اخبار غلط نانو استفاده کنند آنها را مورد هدف قرار می دهیم (...). ما شرعا حق داریم آنها را بکشیم. مسعود قیام مدیر طلوع تی وی در این باره می گوید:

" آنها نیاز دارند که کسانی انتقادات آنها نسبت به دولت را پخش کند آنها به خوبی می دانند که تبلیغ نقشی عمده در این جنگ دارد. " حضور افزایش یابنده ی شورشیان طالبان در رسانه ها باعث شده است تا مقامات امنیتی برخی سانسورها را اعمال کند. در ماه ژوئن مدیران رسانه های عمده برای دریافت لیست ۲۴ مورد ممنوعه در اطلاع رسانی احضار شدند. این سند که از جمله داشتن رابطه با طالبان، انتشار اخبار مغایر با سیاست خارجه کشور و یا نیروهای متحد بین المللی را ممنوع می کرد، توسط مطبوعات رد شد. مقامات امنیتی به روزنامه نگاران دستور داده بودند که از بکار گیری اصطلاح "جنگ سالار" خوداری کنند اما در عوض از تلاش های ارتش افغانستان حمایت کنند.

علیرغم سرو صدایی که این سند به راه انداخت اما حامد کرزی تأیید کرد که از سوی تهیه کنندگان این سند مورد مشورت قرار گرفته است، چرا که به نظر وی برای امنیت ملی باید مواردی را به حساب آورد. تدوین سومین قانون مطبوعات در کشوری که با قوانین اسلامی هدایت می شود، چهارچوبی نسبتاً آزاد را به گسترش مطبوعات اهدا می کند. اما پارلمان و به ویژه لویه جرگه که محافظه کاران در آن اکثریت را دارند تبصره هایی آزادی ستیز را آماده کرده است. اینگونه کمیسیون امور دینی و فرهنگی آن رجوع به احکام اسلامی را افزایش داده است و انتشار اخبار مغایر با "ثبات، امنیت ملی و تمامیت ارضی" را ممنوع کرده است. این سند که در آغاز سال ۲۰۰۷ می تواند به پارلمان معرفی شود، تبلیغ برای مذهبی جز اسلام را در مطبوعات ممنوع کرده است.

گزارش سالیانه ایران ۲۰۰۷

آنکه می خواهد زنده بماند باید با دشواریها در آویزد، دشواری برای زندگان مایه نومیدي نیست، نومید مردگانند.



تمامی تاریخ به سه شاهراه اصلی می پیوندد: آزادی، عدالت و عرفان! نخستین، شعار انقلاب کبیر فرانسه بود و به سرمایه داری و فساد کشید. دومی شعار انقلاب اکتبر بود و به سرمایه داری و جمود و سومین شعار مذهب بود و به خرافه و خواب! کار اصلی هر روشنفکری در این جهان و در این عصر یک مبارزه آزادی بخش فکری و فرهنگی است برای نجات آزادی انسان از منجلا و قیح سرمایه داری و استثمار طبقاتی. نجات عدالت اجتماعی از چنگال خشن و فرعون و نجات خدا از قبرستان مرگ آمیز و تیره آخوندیسم! و این رسالت بزرگ پیامبرانه را روشنفکر راستین و مسئول روشن اندیش نه با تفنگ و نارنجک و نه با میتینگ و داد و قال، نه با سیاست بازیهای رایج و سطحی، نه با انقلاب ها و تغییر رژیمها و عوض کردن آدمها و خلق ماجراها... بلکه در یک کلمه با کاری پیامبر گونه در میان قوم و در عصر و نسل خویش و در هر گوشه ای از این جهان که هستیم باید آغاز کنند؛ " ابلاغ " و سلاحش: " کلمه (علی شریعتی)

در طی سال ۲۰۰۶ ده ها روزنامه نگار برای انتشار مقالات انتقادی شان بازداشت شدند. برخی از آنها در شرایط دشوار و بدون داشتن حق دسترسی به وکیل در بازداشتگاه های مخفی زندانی بودند. با آنکه تعداد زندانیان کاهش

یافته است، اما بسیاری از روزنامه‌نگاران قربانی تعقیب قضایی بی پایان و تهدیدهای مداوم برای انجام وظیفه خود هستند. از تیر ماه ۱۳۸۴ با به قدرت رسیدن رئیس جمهور احمدی نژاد و هیات دولت اش که اکثریت آن را فرماندهان سابق سپاه پاسداران و یا ماموران وزارت اطلاعات تشکیل داده اند، سرکوب همه جانبه‌ی رسانه‌ها و دست اندکاران حرفه‌ی اطلاع رسانی شدت یافته است. در سال ۲۰۰۶ بیش از ده نشریه تعطیل و ۳۸ روزنامه نگار بازداشت شده اند. در اردیبهشت ماه انتشار چند کاریکاتور که در یکی از آنها کودکی با یک سوسک به زبان آذری صحبت می کند، خشم مردم را برانگیخت و تظاهرات اعتراضی در شهرهای استان آذربایجان برگزار شد. دو روزنامه نگار در تهران و چهار روزنامه نگار دیگر در شمال کشور دستگیر شدند تا جمهوری اسلامی سیاست های نادرست خود را توجیه کند و چون همیشه در برابر بحران های سیاسی و اجتماعی روزنامه ها و روزنامه نگاران مقصر قلمداد شوند. بسیاری از روزنامه‌نگاران دستگیر شده با نقض ابتدایی ترین حقوق‌شان در بازداشتگاه های مخفی نگاهداری شده‌اند. برای مثال شیرکو جهانی دوشنبه ۶ آذر ماه توسط دادسرای مهاباد برای چندمین بار احضار و پس از بازجویی به اتهام مصاحبه با رسانه های خارجی بازداشت و به زندان مرکزی مهاباد انتقال یافت. وی در تاریخ ۱۵ آذر ماه و تا بُش از ۱۵ روز از زندان مهاباد به مکان نامعلومی منتقل شد. همسر این روزنامه نگار زندانی اعلام کرده است که همسرش در اعتراض به دستگیری خودسرانه ی خود، نپذیرفته است که وثیقه ۵ میلیون تومانی را پرداخت کند و از همان روز دستگیری به اعتصاب غذا دست زده است. تا روز اول ژانویه شیرکو جهانی همچنان در زندان مهاباد بسر می برد. شیرکو جهانی علاوه بر همکاری با سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان، با خبرگزاری فرات نیز همکاری و مصاحبه کرده است.

در سال گذشته تعداد بسیاری از رسانه ها هدف حمله و تهاجم قرار گرفتند. در بهمن ماه سال گذشته نهادهای حکومتی و حوزه های علمی با سازمان دادن "تظاهرات مردمی" دفتر هفته نامه ی تمدن هرمزگان را تخریب و به آتش کشیدند، ۷ روزنامه نگار و همکار مطبوعاتی این نشریه نیز دستگیر شدند. دو تن از آنها محسن درستکاری و الهام افروتن سردبیر و روزنامه نگار هفته نامه تمدن هرمزگان ماه ها در زندان بسر بردند (در تاریخ چهارشنبه ۱۷ و یکشنبه ۲۱ خرداد تا صدور احکام دادگاه شان با سپردن ۳۰ میلیون تومان وثیقه از زندان اوین آزاد شدند). اتهام آنها بازانتشار مطلبی در نشریه بود که توسط مقامات مسئول جمهوری اسلامی " توهین به آیت اله خمینی و مقدسات" اعلام شد. دوشنبه ۲۴ مهر، در پی انتشار مطلبی در ستون طنز هفته‌نامه سفیر دشتستان که "توهین به مقام رهبری" قلمداد شد. این نشریه توقیف، پورمند، مدیرمسئول، حسین روبین، سردبیر و نیز حروفچین مطلب مورد نظر دستگیر شدند. روزنامه نگاران دستگیر شده پس از بازجویی با سپردن وثیقه تا برگزاری دادگاه آزاد شدند. جمعه ۲۱ مهرماه به تحریک امام جمعه ی بوشهر تعدادی از روحانیون و نمازگزاران در برابر دفتر روزنامه به تظاهرات پرداختند و خسارتی بر آن وارد آوردند.

برای بسیاری از رسانه ها خودسانسوری بهترین روش برای بقاست. خطوط قرمز از مرز گفتن و نوشتن در باره ی روحانیون و تابو های اجتماعی تا حقوق زنان و خواست های ملی و قومی و مذهبی گستره ایست که نباید از آن گذشت. همین سانسور و خودسانسوری ست که توضیح‌گر "کاهش" تعداد روزنامه‌نگاران زندانی ست. روزنامه نگاران از سوی دستگاه قضایی تحت تعقیب قرار می گیرند و برای "آزادی" تا هنگام محاکمه بدون تعیین زمان مجبور به پرداخت وثیقه های سنگین می شوند، روزنامه نگاران به اصطلاح "آزاد" شده از هر سو تحت فشار قرار می گیرند و اجازه کار نمی یابند. بدون امنیت شغلی همواره هراسند که انتشار مطلبی ناخوش آیند برای حکومت، دوباره برای آنها احضار و دادگاه و زندان را در پی داشته باشد. در آذر ماه گزارشگران بدون مرز لیست ۵۴ روزنامه نگار را منتشر کرد که در کشور خود از حق کار بعنوان روزنامه نگار مستقل محروم هستند. از سوی دیگر دولت جمهوری اسلامی در پی تهیه آئین‌نامه‌ای برای "ساماندهی" مطبوعات است. در این آئین‌نامه صدور مجوز و کارت خبرنگاری از جمله وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خواهد بود.

کشته شدن یک روزنامه نگار در شرایطی نامعلوم

آیفر سورچه روزنامه نگار کرد شهروند ترکیه و خبرنگاری فرات (FHA, Firat Haber Ajansi) در فاصله روزهای ۲۹ تیر تا ۲ مرداد در منطقه مرزی در شمال غربی ایران به دست نیروی های ارتش ایران، ظاهراً طی یک عملیات نظامی علیه شورشگران کرد، کشته شده است. گزارشگران بدون مرز در این باره با کسب اطلاعات بیشتر اعلام کرد که آیفر سورچه به همراه یکی از همکارانش و به هنگام خروج از مرز در منطقه مرزی در شمال غربی ایران (کلیراش در استان آذربایجان شرقی) توسط نظامیان به قتل رسیده است. آیفر سورچه که با نام سیلان آراس مطالب خود را منتشر می کرد، در تیر ماه سال جاری برای تهیه گزارشی از خودکشی زنان کرد به ایران و شهرهای مهاباد و اورمیه سفر کرده بود. پیکر آیفر سورچه که توسط نظامیان ایران به بیمارستان شهر سلماس انتقال یافته بود به خانواده اش تحویل داده نشد و تا امروز نیز مجوزی در این باره صادر نشده است. از سوی دیگر با گذشت بیش از سه سال از قتل زهرا کاظمی عاملان این قتل نه تنها تحت تعقیب قرار نگرفته اند که از مصونیت کامل از مجازات بهرمنند هستند. زهرا کاظمی خبرنگار کانادایی ایرانی تبار در دوم تیر ماه ۱۳۸۲ در حین عکسبرداری از

تجمع خانواده های زندانیان در مقابل زندان اوین بازداشت شد. این روزنامه نگار در مدت بازداشت مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بر اثر ضربات وارده در بیست تیر در بیمارستان نظامی بقية الله جان سپرد.

آزادی اکبر گنجی پس از شش سال زندان اکبر گنجی روزنامه نگار مشهور ایرانی در ۲۸ اسفند ماه سال گذشته پس از ۶ سال از زندان آزاد شد. سردبیر راه نو و روزنامه نگار صبح امروز در ۲ اردیبهشت ۱۳۷۹ پس از احضار به دادگاه ۱۴۱۰ معروف به دادگاه مطبوعات دستگیر و روانه ی زندان شد. دلیل عمده بازداشت و محاکمه ی وی روشنگری هایش درباره کشتار روشنفکران و مخالفان رژیم معروف به قتل های زنجیره ای در سال ۱۳۷۷ بود. (در آبان و آذر ماه ۱۳۷۷، داریوش و پروانه فروهر، چهره های برجسته مخالف رژیم، مجید شریف، عضو تحریریه ایران فردا، محمد مختاری و محمد جعفر پوینده، نویسنده و روزنامه نگار، به قتل رسیدند. سه ماه پیش از این قتل ها در اوایل شهریور ماه ۱۳۷۷ پیروز دوانی صاحب امتیاز نشریه پیروز "ناپدید" شد و پیکر او نیز تا به امروز پیدا نشده است.) گنجی در این مقالات برخی از مسئولان رژیم چون علی فلاحیان، محسنی اژه ای و علی اکبر هاشمی رفسنجانی را به دخالت در این قتل ها متهم کرده بود. اتهامات دیگر اکبر گنجی انتشار مقاله ای در حمایت از آیت اله منتظری (که از ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۱ در خانه خود در قم تحت نظر قرار داشت) و شرکت در کنفرانس برلین بود. وی در دی ماه ۱۳۷۹ طی حکمی به ده سال زندان و پنج سال تبعید محکوم گردید، در اردیبهشت ۱۳۸۰ دادگاه تجدیدنظر حکم را به شش ماه کاهش داد ولی در ۲۴ تیر ماه، دیوان عالی کشور بلافاصله رای دادگاه تجدیدنظر را مردود اعلام و گنجی را به شش سال زندان محکوم کرد. پنجشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۸۴ اکبر گنجی اعتصاب غذای نا محدود خود را آغاز کرد. یکشنبه ۸ خرداد در پی مذاکراتی که در زندان میان مسئولان و اکبر گنجی و خانواده و وکلایش انجام شد وی برای مداوای پزشکی به مرخصی آمد، اما دوشنبه ۱۵ خرداد ماموران امنیتی دادستانی برای به زندان بازگرداندن وی به منزل اش یورش بردند. اکبر گنجی در ۱۹ خرداد به زندان اوین بازگشت و اعتصاب غذای خود را آغاز کرد. در این مدت کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، دفتر لوئیز آربور کمیسر عالی حقوق بشر، مسئولان گروه های کاری سازمان ملل به ویژه گروه کاری آزادی بیان و دستگیری های خودسرانه، کمیسیون حقوق بشر اروپا، پارلمان اروپا، پریزیدنت جرج بوش و دولت امریکا و فرانسه و برخی کشورهای غربی چه علنی و چه با ارسال نامه و اخطار از سوی سفارتخانه های شان، و دهها نهاد بین المللی و شخصیت برجسته جهانی با ابراز همبستگی خود خواهان آزادی اکبر گنجی از زندان شدند.

سه شنبه ۳۰ خرداد ماه اکبر گنجی بدعت گزارشگران بدون مرز در کنفرانس مطبوعاتی در دفتر این انجمن بین المللی مدافع آزادی مطبوعات در پاریس شرکت کرد. در این کنفرانس مطبوعاتی اکبر گنجی به تشریح وضعیت حقوق بشر و سرکوب مطبوعات و روزنامه نگاران در ایران پرداخت.

گزارش سالیانه ۲۰۰۵

مهم این نیست که از کجا آغاز می کنی مهم این است که آن را در کجا به پایان میبری.



ای آزادی من از ستم بیزارم ، از بند بیزارم ، از زنجیر بیزارم ، از زندان بیزارم از هر چه و هر که ، که تو را در بند می کشد بیزارم. ای آزادی مرغک پر شکسته زیبای من ، کاش می توانستم تو را از از چنگ پاسداران وحشت ، سازندگان شب و تاریکی و سرما ، سازندگان دیوار ها و مرز ها و زندان ها و قلعه ها رهایت کنم ، کاش قفست را می شکستم و در هوای پاک بی ابر و بی غبار بامدادی پروازت می دادم (علی شریعتی)

در مغرب، در خاورمیانه و در ایران آزادی و امنیت روزنامه نگاران در خطر قرار گرفته است. با جنگ در عراق و منازعه میان اسرائیل و فلسطین، در سال ۲۰۰۵ افزایش خشنونت در این منطقه چشمگیر بوده است. نظام های اقتدارگری حاکم بر بسیاری از کشورهای این منطقه، تمایلی به رعایت آزادی های بیندین ندارند و با به اجرا نهادن قوانین آزادی ستیزانه، رسانه ها را بشدت سرکوب می کنند. رئیس دولت، وزیر، مسئول سرویس های امنیتی و

ماموران انتظامی در تمام طول این سال به بهانه های مختلف "وضعیت اضطراری" به اجرا درآمده (در سوریه و مصر) (مبارزه علیه تروریسم) (عربستان سعودی و مراکش)، "تهدید اسلامیست ها" (تونس) بر مطبوعات و روزنامه نگاران سخت گیری کردند. در این مجموعه نامتجانس کشورها از الجزایر تا ایران ضرب و شتم، تهدید و زندانی کردن روزنامه نگار امری رایج است. ۱۰۴ روزنامه نگار و همکار رسانه ها در سال ۲۰۰۵ مورد حمله و تهدید قرار گرفته اند، این آمار در سال پیش ۷۳ نفر بود. در ایران دستگیری همواره با شکنجه و آزار همراه است. در الجزایر کشیدن یک کاریکاتور می تواند طراح آن را به زندان بیفکند. در عربستان سعودی و یا در یمن موضوعات به اصطلاح "حساس" همچون فساد، اسلام گرایی، و یا مباحث مذهبی می تواند عاملی برای زندانی کردن روزنامه نگار باشد. روزنامه نگاران در این منطقه تنها پناهگاهی که دارند یا خودسانسوری است و یا تبعید. اکثر دولت های انحصار و کنترل رادیو تلویزیون را در دست دارند و ۷۰ درصد شبکه های ماهواره ای که در جهان عرب به پخش برنامه مشغولند به شکل رسمی پیش از بخش برنامه توسط یک نهاد دولتی بازبینی می شوند.

خاورمیانه خطرناک ترین منطقه برای روزنامه نگاران

با ۲۷ روزنامه نگار کشته شده در سال ۲۰۰۵ خاورمیانه مرگ بارترین منطقه جهان برای مطبوعات بود. نا امنی حاکم بر عراق اصلی ترین علت این امر است. از ۶۴ روزنامه نگار کشته شده ۲۴ نفر در این کشور جان باخته اند. هر چند اغلب این روزنامه نگاران به هنگام تحت پوشش قرار دادن اخبار عملیات شورشیان عراقی کشته شده اند، اما تروریست ها حتی در حمله به منزل روزنامه نگاران و کشتن آنها در برابر چشمان خانواده شان تردید نکرده اند. ارتش امریکا مسئول قتل ۱۲ روزنامه نگار است و از سوی دیگر ۶ روزنامه نگار و همکار رسانه ها توسط سربازان امریکایی بازداشت شده اند. این افراد که مظنون به همکاری با شورشیان بودند، طی ماه ها بازداشت و مورد آزار و اذیت قرار گرفته، از حقوق خود چون داشتن حق وکیل و یا ملاقات با خانواده و کارفرمایان خود به شکل غیر قانونی محروم شده اند. فرستادگان ویژه رسانه های خارجی در عراق که به راحتی قابل شناسایی هستند، هدف اصلی ربایندگان هستند، ۷ نفر از آنها در سال ۲۰۰۵ به گروگان گرفته شدند. فرستاده ویژه روزنامه ی لیبراسیون فلورانس اوبانس و راهنمای محلی اش حسین هانون بیش از ۵ ماه در اسارت بسر بردند. با این حال از ماه مارس ۲۰۰۳ فرد نتراک فیلم بردار شبکه تلویزیونی ITN ناپدید شده است. در همین زمان روزنامه نگاران دیگری در عراق به گروگان گرفته شده و سپس آزاد شده اند از جمله گیلیان سرناریال، ماری ژان لون، سورین دومیترو میسکویی که در اولین ماه های اول سال ۲۰۰۵ ذهن ما را به خود مشغول کرده بود. متأسفانه این رویه متوقف نشده است. هر هفته روزنامه نگاران عراقی و دیگر روزنامه نگاران خارجی در عراق به گروگان گرفته می شوند. در حال حاضر سرنوشت ریم زید و مروان خازال خبرنگاران شبکه تلویزیونی محلی سوماریه در پرده ابهام است. در این مورد هم ما باید بدون هیچ محدودیتی کارزار را به پیش بریم و هر روز به گروگانگیران یادآور شویم که این دو خبرنگار فقط به انجام وظیفه خود مشغول بوده اند و هیچ امری توجیه گر غذایی که به آنها تحمل می شود، نیست. اما آزادی مطبوعات فقط در عراق در خطر نیست. کمی دورتر از آنجا در بیروت روزنامه نگاران در هراس ترور به سر می برند. در سال ۲۰۰۵ سمیر کسیر و جبران توتنی دو نویسنده برجسته ی روزنامه ی النهار ترور شدند. خبرنگار محبوب شبکه تلویزیونی آل-بی-سی مایا شیدیاک نیز در ترور نافرجامی شدتدا مضروب شده است. کشوری که در میان جهان عرب بیشتر از دیگران حقوق روزنامه نگاران را محترم می شمرد، آرام آرام در ظلمت خود سانسوری فرو می رود.

بهبود آزادی بیان و خبر های خوب در دیگر کشورهای جهان

شرط صداقت نیست اگر از خبر های خوب سخنی به میان نیاوریم نخست این خبرها موجودند و سپس همین اخبار هستند که ما را برای ادامه مبارزه مان یاریگرند. آزادی یک روزنامه نگار از زندان، باز انتشار یک روزنامه ی توقیف شده، محاکمه و محکوم شدن یکی از دشمنان آزادی مطبوعات، فرصت های خوبی است برای ابراز شادمانی هستند در هند و در ایالت آسه و در بعضی از کشورهای امریکای مرکزی، رسانه ها از آزادی بیشتری بهرمنند شده اند. گزارشگران بدون مرز در جریان اصلاح قانون مطبوعات در کشور موریتانی مشارکت کرده است. و امیدواریم که در چاد و کامرون نیز همین امر انجام گیرد. مکزیک دادستان ویژه ای برای تحقیق و بررسی در باره ی مورد تهاجم قرار گرفتن روزنامه نگاران منصوب کرده است و این نشانه ی آن است که دولت اهمیت و خامت شرایط را دریافته است.

دشمنان آزادی مطبوعات

مطبوعات هم دشمنانی دارد. رئیس جمهور باشند یا وزیر و شاه، ولی فقیه و فرمانده چریکهای شورشی و یا رهبر سازمان های جنایتکارانه، دشمنان مطبوعات چهره و نام و نشانی دارند، این درندگان آزادی مطبوعات قدرت آنرا دارند که روزنامه نگاران را زندانی کنند، برابند، شکنجه کنند و گاه نیز به قتل برسانند. موقعیت و مقام شان عموماً عاملی برای مصون ماندن شان از مجازات است و برای مسولیتی که در نقض حقوق بشر دارند معمولاً هیچگاه محاکمه نمی شوند. گزارشگران بدون مرز از سال ۲۰۰۲ تصمیم گرفته است که هر ساله چهره ی این دشمنان آزادی مطبوعات را آشکار و آنها را به همگان معرفی کند.

گزارشگران بدون مرز 5 نام جدید را به لیست بزرگترین دشمنان آزادی بیان افزوده است.
اتیوپی : میلس زناوی نخست وزیر سری لانکا : گروه نظامی ببر های تامیل کلمبیا : دیگو فرناندو . مریلو رهبر گروه
شته نظامی آ-یو - سی. رویکرد : گزارشگران بدون مرز، آزادی اندیشه، انسان آزادی .

پایان